



دانشگاه معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد  
گروه مدرسی معارف اسلامی  
گرایش آشنایی با منابع اسلامی

عنوان:

شیوه سخن گفتن با مخالفان از منظر آیات و روایات

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدنقی رفعت نژاد

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مجید حیدری فر

نگارش:

زکیه رفعت نژاد

۱۳۹۴

## چکیده

تبلیغ و دعوت به حق بعد از پذیرش و اعتقاد به اسلام یکی از مسائل دینی است که پیش از خلقت حضرت آدم(ع) نیز میان ذات اقدس الهی و مخلوق ناسپاسش (ابلیس) به آن توجه شده است. در قرآن کریم و روایات برای جهانی تر شدن و سعادت‌مندی بشر از سه شیوه حکمت، موعظه و جدل استفاده شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش نقلی و وحیانی و استمداد از اسناد کتابخانه‌ای به صورت محیطی و محدود به گردآوری و تحلیل و پردازش داده‌ها پرداخته و با جستاری در آیات مرتبط با موضوع و روایات معصومین(ع) این موضوع را تحلیل و تبیین می‌کند در پژوهش پیش رو این تحقیق روشن می‌شود که چرا و چگونه ممکن است انسان مسلمان با استفاده از سه شیوه قرآنی (حکمت، موعظه و جدل) به امر دعوت همه گروه‌ها و سخن گفتن با مخالفان اهتمام بورزد و در این مسیر باید‌ها و نبایدهای این سه شیوه چیست؟ و تأثیر این سه شیوه از دیدگاه قرآن و روایات با ذکر نمونه‌های آن چگونه بوده است؟ از قرآن و روایات برمی‌آید که استفاده از آن سه شیوه در ابتدا به رسول خدا(ص) و فرستاده دین سفارش شده است و در ادامه چون تبلیغ دین و انتشار آن در جهت بیان دین حق، لازمه توجه به شیوه سخن گفتن با مخالفان دینی است، بر همگان لازم و ضروری است. این نوشتار با عنوان (شیوه سخن گفتن با مخالفان از منظر آیات و روایات) از جمله پژوهش‌های کاربردی در حوزه معارف قرآن و عترت است که ماهیت شیوه سخن گفتن در امر دعوت به دین را به مثابه یک امر دین‌پسندانه و ارزشمند و استفاده از ابزار آن و دقت و بررسی در نکات بایدی و موانع و نبایدی این ابزار، و ذکر شاهد مثال‌هایی در سیره انبیاء و معصومین(ع) معرفی کرده است.

## واژگان کلیدی

شیوه سخن گفتن، برخورد با مخالف، حکمت، موعظه، جدل.

## فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۲	۱. فصل یکم: کلیات و پیش نیازهای پژوهش
۳	۱ - ۱. نوشتار یکم: کلیات پژوهش نامه
۳	۱ - ۱ - ۱. تبیین موضوع پژوهش
۳	۱ - ۱ - ۲. پیشینه موضوع پژوهش
۴	۱ - ۱ - ۳. پرسش‌های پژوهش
۵	۱ - ۱ - ۴. فرضیه‌های پژوهش
۵	۱ - ۱ - ۵. اهداف پژوهش
۵	۱ - ۱ - ۶. روش پژوهش
۶	۱ - ۱ - ۷. ساختار و سازماندهی پژوهش
۷	۱ - ۲. نوشتار دوم: معناشناسی واژگان پژوهش
۷	۱ - ۲ - ۱. شیوه
۷	۱ - ۲ - ۲. سخن
۸	۱ - ۲ - ۳. مخالف
۹	۱ - ۲ - ۴. حکمت
۱۳	۱ - ۲ - ۵. موعظه
۱۵	۱ - ۲ - ۶. جدل
۲۰	۱ - ۳. نوشتار سوم: گونه و گستره شناسی واژگان پژوهش
۲۰	۱ - ۳ - ۱. انواع سخن گفتن
۲۳	۱ - ۳ - ۲. انواع مخالف
۲۵	۱ - ۳ - ۳. انواع حکمت
۲۷	۱ - ۳ - ۴. انواع موعظه
۲۸	۱ - ۳ - ۵. انواع جدل
۳۱	۱ - ۴. نوشتار چهارم: چرایی شیوه گزینی در سخن گفتن بامخالفان (اهمیت و ضرورت)
۳۱	۱ - ۴ - ۱. ضرورت اصل توجه به آگاهی در هر موضوع و شاخصه‌های تحصیل علم
۳۳	۱ - ۴ - ۲. لزوم کلی توجه به گفتگوهای تبلیغی در قرآن
۳۳	۱ - ۴ - ۳. زمینه‌سازی هدایت و سعادت‌مندی
۳۴	۱ - ۴ - ۴. پایان دادن به اختلافات و دشمنی‌ها

- ۱- ۴- ۵. ایجاد تفاهم و وحدت و همکاری بین اقوام و ملت‌ها..... ۳۵
- ۱- ۴- ۶. تغییر رفتار..... ۳۶
- ۱- ۵. نوشتار پنجم: باید‌ها و نباید‌های مشترک در شیوه سخن گفتن با مخالفان و موافقان..... ۳۶
- ۱- ۵- ۱. قول بلیغ..... ۳۷
- ۱- ۵- ۲. قول صدق..... ۳۷
- ۱- ۵- ۳. قول عدل..... ۳۸
- ۱- ۵- ۴. قول حسن..... ۳۸
- ۱- ۵- ۵. قول أحسن..... ۴۰
- ۱- ۵- ۶. قول لین..... ۴۱
- ۱- ۵- ۷. قول سدید..... ۴۲
- ۱- ۵- ۸. قول معروف..... ۴۲
- ۱- ۵- ۹. قول میسور..... ۴۳
۲. فصل دوم: شیوه مشترک سخن گفتن با مخالفان و موافقان از طریق حکمت و موعظه..... ۴۵
- ۲- ۱. نوشتار یکم: حکمت و ویژگیهای سخن حکیمانه..... ۴۶
- ۲- ۱- ۱. حکمت در قرآن..... ۴۷
- ۲- ۱- ۱- ۱. ویژگیهای حکمت در قرآن:..... ۴۷
- ۲- ۱- ۱- ۲. مصادیق و مظاهر حکمت در قرآن..... ۴۷
- ۲- ۱- ۲. حکمت در روایات..... ۴۸
- ۲- ۱- ۳. حکمت از منظر عقل..... ۴۹
- ۲- ۱- ۳- ۱. پیشگفتار..... ۴۹
- ۲- ۱- ۳- ۲. شروط و باید‌های حکمت (برهان)..... ۵۱
- ۲- ۱- ۳- ۱. یقینی بودن مقدمات..... ۵۱
- ۲- ۱- ۳- ۲. تقدم عقلی مقدمات..... ۵۱
- ۲- ۱- ۳- ۳. شناخته تر و روشنتر بودن مقدمات..... ۵۱
- ۲- ۱- ۳- ۴. ذاتی اولی بودن مقدمات..... ۵۲
- ۲- ۱- ۳- ۵. ضروری بودن مقدمات..... ۵۳
- ۲- ۱- ۳- ۶. کلی بودن مقدمات..... ۵۳
- ۲- ۲. نوشتار دوم: ویژگی‌ها و باید‌های سخن گفتن موعظه‌ای..... ۵۴
- ۲- ۲- ۱. باید‌های واعظان..... ۵۶

- ۵۹ ..... ۲-۲-۲. بایدهای متعظان
- ۶۲ ..... ۲-۲-۳. بایدهای کیفیت اجرایی وعظ
- ۶۶ ..... ۲-۲-۴. پند پذیری و عرصه وسیع آن
- ۷۰ ..... ۲-۲-۵. بایدهای کاربردی موعظه
- ۷۰ ..... ۲-۲-۵-۱. موعظه کردن در برابر درخواست
- ۷۰ ..... ۲-۲-۵-۲. برای وا داشتن به ترک حرام
- ۷۰ ..... ۲-۲-۵-۳. بازداشتن از خط انحرافی
- ۷۱ ..... ۲-۲-۵-۴. جلوگیری از نافرمانی‌ها
- ۷۱ ..... ۲-۲-۵-۵. اخطار برای ترک زور و ستم
- ۷۱ ..... ۲-۲-۵-۶. دعوت به عدل و نهی از منکر
- ۷۲ ..... ۲-۲-۵-۷. دعوت به قیام و حرکت
- ۷۲ ..... ۲-۲-۵-۸. در ادای امانت و داوری
- ۷۳ ..... ۲-۲-۵-۹. پرهیز دادن از تهمت
- ۷۴ ..... ۲-۲-۵-۱۰. در دادن جریمه برای ترک عمل
- ۷۴ ..... ۲-۲-۵-۱۱. اتمام حجت‌ها
- ۷۵ ..... ۲-۲-۵-۱۲. کاربرد ترکیبی موعظه و حکمت
- ۷۵ ..... ۲-۲-۵-۱۳. موعظه برای پذیرش برهان
- ۷۶ ..... ۲-۲-۵-۱۴. تقدم موعظه پذیری زن یا مرد
- ۷۷ ..... ۲-۳-۳. نوشتار سوم: موانع ونبایدهای حکمت و سخن حکیمانه
- ۷۸ ..... ۲-۳-۱. مغالطه درمقایسه
- ۷۹ ..... ۲-۳-۲. مغالطه‌ی استبعاد
- ۸۰ ..... ۲-۴-۴. نوشتارچهارم: موانع ونبایدهای سخن گفتن موعظه‌ای
- ۸۰ ..... ۲-۴-۱. موانع مربوط به واعظ
- ۸۰ ..... ۲-۴-۱-۱. عدم رعایت بردباری و سخت گیری در مقام دعوت و موعظه به اسلام:
- ۸۱ ..... ۲-۴-۱-۲. اهل درد نبودن واعظان در بی تأثیری موعظه
- ۸۱ ..... ۲-۴-۲. موانع مربوط به موعظه‌شونده
- ۸۱ ..... ۲-۴-۲-۱. گناه و غرور و غفلت
- ۸۲ ..... ۲-۴-۲-۲. دنیاطلبی و حب جاه و مقام
- ۸۳ ..... ۲-۴-۲-۳. امید بی جا به رحمانیت خدا

- ۲- ۴- ۳. ارتباط موعظه با نصیحت ..... ۸۴
- ۲- ۴- ۴. ارتباط موعظه با امر به معروف و نهی از منکر ..... ۸۵
- ۲- ۵- ۵. نوشتار پنجم: نمونه‌هایی از سخن گفتن حکیمانه در آیات و روایات ..... ۸۵
- ۲- ۵- ۱. برهان تمانع برای اثبات توحید ربوبی ..... ۸۶
- ۲- ۵- ۲. برهان امکان معاد ..... ۸۸
- ۲- ۵- ۳. برهان اثبات صانع متعال ..... ۸۹
- ۲- ۵- ۴. برهان لزوم حجت و پیامبر ..... ۹۱
- ۲- ۶- ۶. نوشتار ششم: نمونه‌های سخن گفتن موعظه‌ای در آیات و روایات ..... ۹۳
- ۲- ۶- ۱. موعظه امام رضا(ع) با مرد مادّی‌گرا ..... ۹۳
- ۲- ۶- ۲. موعظه امام صادق(ع) ..... ۹۴
۳. فصل سوم: شیوه سخن گفتن اختصاصی با مخالفان از طریق جدال أحسن ..... ۹۶
- ۳- ۱. نوشتار یکم: ویژگی‌ها و باید‌های سخن گفتن جدلی ..... ۹۷
- ۳- ۱- ۱. باید‌های وجدانی ..... ۹۸
- ۳- ۱- ۱- ۱. تحریک وجدان باتکیه بر عنصر عقلانیت ..... ۹۸
- ۳- ۱- ۱- ۲. دعوت به توحید با استفاده از برانگیختن انگیزه‌ها ..... ۱۰۰
- ۳- ۱- ۲. باید‌های اخلاقی ..... ۱۰۳
- ۳- ۱- ۲- ۱. گفتار آرام و رعایت ادب در برابر تهمت‌ها ..... ۱۰۳
- ۳- ۱- ۲- ۲. قاطعیت در اظهار عقاید و تبلیغ رسالت ..... ۱۰۵
- ۳- ۱- ۲- ۳. کاریست واژگان مهرانگیز ..... ۱۰۵
- ۳- ۱- ۲- ۴. صلابت و صبر در دعوت ..... ۱۰۷
- ۳- ۱- ۲- ۵. از سرنصیحت و خیرخواهی ..... ۱۰۸
- ۳- ۱- ۲- ۶. اقناع و همراهی تدریجی ..... ۱۰۹
- ۳- ۱- ۲- ۷. اولویت دادن به امر به معروف ..... ۱۱۰
- ۳- ۱- ۲- ۸. درپی روشنگری حق بودن ..... ۱۱۲
- ۳- ۱- ۳. باید‌ها و آداب استدلالی و بیانی ..... ۱۱۳
- ۳- ۱- ۳- ۱. استدلال عقلی و منطقی ..... ۱۱۳
- ۳- ۱- ۳- ۲. مقایسه ..... ۱۱۵
- ۳- ۱- ۳- ۳. ارائه سؤال ..... ۱۱۷
- ۳- ۱- ۳- ۴. استدلال از طریق محسوس ..... ۱۱۸

- ۱۱۹ ..... ۳ - ۱ - ۳ - ۵. بهره‌گیری از مسلمات حق
- ۱۲۰ ..... ۳ - ۱ - ۳ - ۶. در مقام انذار و اتمام حجت بامشرکان
- ۱۲۱ ..... ۳ - ۱ - ۴. بایدهای سیاسی
- ۱۲۱ ..... ۳ - ۱ - ۴ - ۱. ابطال مدعای افراد با استفاده از ادعای خود آنها
- ۱۲۳ ..... ۳ - ۱ - ۴ - ۲. مناظره با رییس گروه
- ۱۲۴ ..... ۳ - ۱ - ۴ - ۳. تردیدافکنی در میان مخالفان
- ۱۲۵ ..... ۳ - ۱ - ۴ - ۴. بهترین منبع برای جدال احسن
- ۱۲۶ ..... ۳ - ۱ - ۴ - ۵. محوریت قرآن در سخن گفتن و مناظرات
- ۱۲۶ ..... ۳ - ۲ - نوشتار دوم: موانع و نبایدهای سخن گفتن جدلی
- ۱۲۷ ..... ۳ - ۲ - ۱. نهی از جدال به غیر علم
- ۱۲۸ ..... ۳ - ۲ - ۲. نهی از جدال‌های مذموم
- ۱۲۸ ..... ۳ - ۲ - ۲ - ۱. جدال در حج
- ۱۲۹ ..... ۳ - ۲ - ۲ - ۲. جدال درباره خدا
- ۱۲۹ ..... ۳ - ۲ - ۲ - ۳. جدال به منظور دفاع ناحق از دیگران
- ۱۳۰ ..... ۳ - ۲ - ۲ - ۴. جدال برای از میان بردن حق
- ۱۳۰ ..... ۳ - ۲ - ۲ - ۵. جدال برای دفاع از گنهکاران
- ۱۳۰ ..... ۳ - ۲ - ۲ - ۶. جدال درباره آیات خدا
- ۱۳۱ ..... ۳ - ۲ - ۳. پرهیز از درشتی و اهانت و توهین
- ۱۳۱ ..... ۳ - ۲ - ۴. پرهیز از به کار بردن ابزار باطل در اثبات حق
- ۱۳۱ ..... ۳ - ۲ - ۵. پرهیز از سخنان تحریک‌آمیز
- ۱۳۱ ..... ۳ - ۲ - ۶. پرهیز از مناظره با ستمگران
- ۱۳۲ ..... ۳ - ۳ - نوشتار سوم: نمونه‌هایی از گفتگوی جدلی در آیات و روایات
- ۱۳۲ ..... ۳ - ۳ - ۱. سخن گفتن جدلی میان پیامبر اسلام و پیروان دین‌های پنجگانه
- ۱۳۴ ..... ۳ - ۳ - ۲. سخن گفتن جدلی میان امام باقر(ع) و یکی از رؤسای خوارج
- ۱۳۸ ..... منابع
- ۱۴۴ ..... نمایه

## پیشگفتار

مسئله شیوه‌شناسی از ضرورت‌های نوین در دین‌شناسی عصر حاضر بوده، و در جایگاه سخن‌گفتن با مخالفان اهمیت بسزایی دارد، و از عوامل مهم پرورش ذهن و واداشتن عقل مخالف غیرمعاند به فعالیت و پیمودن راه استدلال و برهان و در نتیجه شکوفایی فکری در سایه توجه به مواظبت برای سعادت است. که یکایک پیامبران تحقق این هدف را با مدارا و ملایمت و صبورانه پیگیر بودند و با اینکه مشرکان و کافران را در گمراهی آشکار می‌دیدند، با زبان نرم و برهان‌های فطری سخن می‌گفتند؛ تا مبادا آنان را در برابر خود به واکنش خصمانه بیندازند.

خداوند در قرآن کریم در آیه ۱۲۵ سوره نحل در جهت انتخاب شیوه سخن‌گفتن پیامبران؛ مخالفان و موافقان می‌فرماید: (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) «با حکمت و اندرز نیکو، بر راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن.»

با توجه به ضرورت بحث ذکر شده در قرآن کریم، آشنایی با نحوه عملکرد انتخاب شیوه سخن‌گفتن پیامبران و معصومین (ع) با مخالفان سرمایه‌گرا نقدی است که راه‌گشای طی طریق مصلحان و خیرخواهان و عامل هدایتی برای عموم انسانها خواهد بود و در این راستا نگارنده در پژوهش پیش‌رو به این موضوع پرداخته و مطالب آن را در سرفصل تنظیم کرده که به شرح ذیل بیان می‌شود:

و در فصل دوم بیان شیوه مشترک سخن‌گفتن با مخالفان و موافقان (سخن‌گفتن حکیمانه و موعظه‌ای) بایدها و نبایدهای هر دو شیوه با ذکر نمونه‌هایی از هر کدام در آیات و روایات بررسی شده است. و در فصل سوم، شیوه اختصاصی سخن‌گفتن با مخالفان (از طریق جدال احسن) با ذکر بایدها و نبایدها و نمونه‌هایی از این شیوه، در آیات و روایات بیان شده است.

شایان ذکر است که با بذل محبت استادان ارجمند و گرامی (راهنما و مشاور) کاستی‌های این اثر تا میزان زیادی رفع شده، ولی از آنجا که این پژوهش با نگاه ابزارمندانانه و شیوه‌شناسی با موضوع سخن‌گفتن با مخالفان و تمسک به آیه ۱۲۵ سوره مبارک نحل به این مسئله پرداخته است. امیدوارم اندیشه‌ورزان و پژوهش‌گران قرآنی این عرصه که دوستدار پویایی بینش‌ها و گرایش‌های وحیانی‌اند، ناراستی‌ها و کاستی‌های این نوشته را جبران کرده و در عرصه فرهنگی و تربیتی روانشناسی قرآنی این موضوع را بیشتر بررسی کنند.



## ۱. فصل یکم:

# کلیات و پیش نیازهای پژوهش

## ۱-۱. نوشتار یکم: کلیات پژوهش نامه

کلیدواژه و متغیر اصلی این پژوهش نامه مخالفان، حکمت، موعظه، جدل می‌باشد. و شیوه‌ی سخن گفتن با مخالفان و موافقان از دیدگاه آیات و روایات از دیگر موارد تحقیقی این پژوهش نامه می‌باشند که به فضل پروردگار آنها را بیان خواهیم کرد.

### ۱-۱-۱. تبیین موضوع پژوهش

سخن گفتن با مخالفان حق که از پیش‌نیاز دعوت به حق و حقیقت و به جهت پایان یافتن دشمنی‌هاست، مورد توجه قرار گرفته است و از آنجا که این مسأله یکی از شیوه‌های مهم هدایت که به عنوان یک ابزار سخن گفتن است. با توجه به گوناگونی مخالفان که از نظر صلاحیت و توانایی علمی‌شان به سه دسته تقسیم می‌شوند: نخبگان علمی و توده مردم کم‌سواد و بی‌سواد نخبگان نیز خود دارای دو گونه منصف و منطقی و حق‌پذیرند یا بی‌انصاف و بی‌منطق و لجاجت هستند که متناسب با هر یک از گروه‌های یاد شده شیوه‌ها و ابزارهای خاصی برگزیده می‌شود، رهیافت‌های قرآنی در این زمینه ما را به سوی این سه عنصر هدایت می‌کند.

۱. شیوه سخن گفتن حکیمانه بر پایه برهان و استدلال یقین‌آور با قشر نخبه مخالف با انصاف و حق‌پذیر.

۲. شیوه سخن گفتن مجادله‌ای با قشر نخبه مخالف حق گریز برپایه پذیرش مسلمات طرف مقابل به شرط آنکه حق و با انگیزه هدایت به حق باشد.

۳. شیوه سخن گفتن موعظه‌ای بر پایه تحریک احساسات و عواطف با توده مخالف کم‌سواد و بی‌سواد، هر چند شیوه سوم با گروه نخست نیز امکان‌پذیر است. در این پژوهش برآنیم ضمن تبیین ابزارهای یاد شده در فصول جداگانه به ذکر موارد و نمونه‌های عینی به عنوان الگوی قرآنی و روایی، جایگاه و میزان اثرگذاری هر یک از شیوه‌های سه‌گانه سخن گفتن را بررسی کنیم:

### ۱-۱-۲. پیشینه موضوع پژوهش

از فهرست آثاری که پیرامون مباحث قرآن و قرآن‌پژوهی که از قرآن اولیه پدید آمده است، را می‌توان بر شاخه‌های ذیل تقسیم بندی نمود:

(الف) کتب تفسیری قرون قدیم و جدید اعم از آثار شیعه و اهل سنت.

(ب) کتب روایی قرون قدیم و جدید.

(ج) کتاب‌هایی با هدف بسط موضوعات قرآنی توسط اندیشمندان علوم قرآنی نوشته شده است.

(د) مقالات، برنامه‌های نرم‌افزاری رایانه‌ای و پایان‌نامه‌هایی که تحت نظر دانشمندان و اندیشمندان علوم قرآنی در مجامع علمی به رشته تحریر درآمده است. این پژوهش از این امتیاز برخوردار است

که نگارنده با عنایت خدای منان با پژوهش در پرتو آیات و روایات و سخنان معصومین (ع) این موضوع را تبیین و لزوم اهمیت و ضرورت هر شیوه را به همراه بایستگی های قرآنی و روایی و میزان اثرگذاری و جایگاه هر نوع سخن اعم از گفتگوی (حکیمانه، موعظه ای، جدلی) به صورت یکجا در نمونه های عینی گفتگوی انبیاء اولو العزم و غیر اولو العزم و ائمه معصومین با مخالفان یادآور شده است در پایان به چند نمونه از نگاشته ها درباره این موضوع اشاره می شود:

۱. احمد بن علی الطبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، طبعه الاولی، (۱۴۰۳ هـ ق) وی در مقدمه کتاب بخشی درباره جدال و اقسام آن نموده و نمونه هایی از جدال احسن پیامبر با کفار که در قرآن ذکر شده را آورده است آنگاه بحث هایی که آنان با دیگران داشته اند که در روایات نقل شده به ترتیب معصومین (ع) جمع نموده است.

۲. محمدحسین صادقی درویشی، برخورد انبیاء با مخالفان در قرآن و عهدین، (پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد)، دانشگاه پیام نور واحد قم. به راهنمایی دکتر علی فتح اللهی، (۱۳۸۸ هـ ق)

۳. رستم تقی زاد، بررسی پاسخ های قرآنی اهل بیت (ع) به شبهات مخالفان درباره ولایت و حکومت، (پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد) دانشکده الهیات و علوم اسلامی قم، به راهنمایی دکتر جواد ایروانی، (۱۳۸۹ هـ.ش).

۴. حبیب زمانی محجوب، در مقاله یهود در رویاروی پیامبر اعظم (ص) در فصل نامه رضوان، ش ۱۲، سال ۱۳۸۵.

۵. حسن جمشیدی، در مقاله روش دعوت پیامبر (ص) از دیدگاه علامه طباطبایی، در فصل نامه تبلیغ، ش ۲۴، سال ۱۳۸۰.

۶. ناصر محمدی، در مقاله جدال چیست و مجادله گر کیست، در فصل نامه دعوت، ش ۵، سال ۱۳۹۰.

### ۱-۱-۳. پرسش های پژوهش

- سؤال اصلی

شیوه سخن گفتن با مخالفان از دیدگاه قرآن و روایات چیست؟

- سؤالات فرعی

۱. شیوه سخن گفتن حکیمانه در آیات و روایات کدام است؟

۲. شیوه سخن گفتن موعظه ای در آیات و روایات کدام است؟

۳. شیوه سخن گفتن مجادله ای در آیات و روایات کدام است؟

- سؤالات فرعی تر

۱. حکمت و انواع آن چیست؟ و ویژگی های سخن گفتن حکیمانه کدام است.؟

۲. موعظه و انواع آن چیست؟ و ویژگی‌های سخن‌گفتن موعظه‌ای کدام است؟
۳. جدل و انواع آن چیست؟ و ویژگی‌های سخن‌گفتن مجادله‌ای کدام است؟
۴. چرا در سخن‌گفتن با مخالفان و موافقان باید شیوه خاص برگزید؟

#### ۱-۱-۴. فرضیه‌های پژوهش

۱. شیوه خاص در سخن‌گفتن تمام پیامبران به خصوص پیامبر اسلام، سخن‌گفتن براساس حکمت یعنی سخن‌گفتن با مردم به حق براساس اقتضای حال فکری اعتقادی و اجتماعی آنان (این نوع تعریف از حکمت ناظر به شیوه تبلیغ است یعنی هر چیزی را سر جای خود نهادن و مطابق مقتضای حال عمل کردن است. و موعظه حسنه و جدال نیکو است.
۲. شاید بتوان در قرآن کریم بیش از هر شیوه یادگیری از موعظه استفاده شده است با آوردن مطالب احساس‌برانگیز عواطف شنونده به نفع مطالب مورد نظر تحریک شده و سپس آن مطالب القا شده است.
۳. قرآن کریم در کنار این دو روش (حکمت و موعظه حسنه، جهت افرادی که در مقابل پیام حق از خود سرسختی نشان می‌دهند و در برابر مطالب برهانی استدلالی و حتی موعظه حسنه مقاومت می‌کنند، روش سوم جدال احسن را بیان می‌کند تا سخن حکمت‌آمیز حق مؤثر افتد و هدایت مخاطب را نتیجه دهد.....

#### ۱-۱-۵. اهداف پژوهش

۱. رسیدن به موارد لزوم اهمیت هر کدام از شیوه‌های قرآنی سخن‌گفتن و ضرورت و شرایط به کارگیری آنها با مخاطب است.
۲. لیبیک‌گفتن به هشدارهای قرآنی در مورد توجه به این وظیفه مهم با بیان شروط برخورد انبیا در هر یک از موارد سخن و همچنین ارائه نمونه‌هایی از اولیای الهی با توجه به آیات و روایات است.
۳. با توجه به بیان ضرورت و شرایط اثرگذاری و لزوم اهمیت هر کدام از شیوه‌های قرآنی در سخن‌گفتن با مخالفان، که از شایعترین دغدغه‌های فکری در عرصه اجتماع و سیاست اسلام است، امید است با تمسک به آیات و روایات و ارائه دادن الگوی عینی زمینه‌سازی هدایت تمامی انسان‌ها فراهم شود.

#### ۱-۱-۶. روش پژوهش

- برپایه منابع دانشی انسانها که شش مورد است، عقل و وحی و الهام و تجربه و گزارش‌های دیگران و قراردادهای عرفی، روش‌های پژوهش در علوم نیز به شش دسته تقسیم میشود و شیوه اجرایی این پژوهش از نوع نقلی و وحیانی در برابر نقلی تاریخی است که با استمداد از متون و منابع دینی عملی می‌شود.

محیط کتابخانه‌ای: شامل فیش بانک اطلاعاتی شبکه کامپیوتری همانند برون‌داده‌های سازمان تحقیقاتی نور، مکتبه اهل البیت.

در پژوهش ابتدا به تحلیل مفهومی واژه‌ها، شیوه، سخن گفتن، مخالفان، و قرآن و روایات در لغت و اصطلاح پرداخته و انواع مخالفان در آیات و روایات برمی‌شماریم و در مرحله گزاره‌ای تحلیلی به کاربرد انواع سخن گفتن با مخالفان در قرآن و بررسی هر نوع به صورت جداگانه به همراه ارائه گونه‌ها و بایستگی‌ها از نظر قرآن و روایات. و در مرحله منظومه‌ای تحلیل برای یافتن تأثیر، اهمیت و ضرورت و بایستگی‌ها و گونه و گستره شناسی برای ارائه هر نوع سخن اعم از (حکیمانه‌ای، موعظه‌ای، جدلی) از نظر قرآن و روایات است.

## ۱-۱-۷. ساختار و سازماندهی پژوهش

فصل یکم: کلیات و پیش‌نیازهای پژوهش

- نوشتار یکم: کلیات پژوهش

- نوشتار دوم: معناشناسی واژگان پژوهش

- نوشتار سوم: گونه و گستره‌شناسی واژگان پژوهش

- نوشتار چهارم: چرایی شیوه‌گزینی در سخن گفتن با مخالفان (اهمیت و ضرورت)

- نوشتار پنجم: بایدها و نبایدهای مشترک انواع سخن گفتن با مخالفان و موافقان

فصل دوم: شیوه‌ی مشترک سخن گفتن با مخالفان و موافقان

- نوشتار یکم: ویژگی‌ها و بایدهای سخن گفتن حکیمانه

- نوشتار دوم: ویژگی‌ها و بایدهای سخن گفتن موعظه‌ای

- نوشتار سوم: موانع و نبایدهای سخن گفتن حکیمانه

- نوشتار چهارم: موانع و نبایدهای سخن گفتن موعظه‌ای

- نوشتار پنجم: نمونه‌هایی از سخن گفتن حکیمانه در آیات و روایات

- نوشتار ششم: نمونه‌هایی از سخن گفتن موعظه‌ای در آیات و روایات

فصل سوم: شیوه‌ی اختصاصی سخن گفتن با مخالفان

- نوشتار یکم: ویژگی‌ها و بایدهای سخن گفتن جدلی

- نوشتار دوم: موانع و نبایدهای سخن گفتن جدلی

- نوشتار سوم: نمونه‌هایی از سخن گفتن جدلی در آیات و روایات

- نوشتار پایانی: نتیجه‌گیری و جمع‌بندی؛ و بیان نوآوری‌ها و پیشنهادهای پژوهش

## ۱-۲. نوشتار دوم: معناشناسی واژگان پژوهش

### ۱-۲-۱. شیوه

شیوه بر وزن سینه اسم مصدری است از ترکیب بن مضارع می‌شود با افزودن‌های ناخوانده مانند نگره و بینه؛ در تفسیر آن معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند مانند: طور و رسم و طریقه و سبک و اسلوب و روش و نهج و تیره و نسق و سان و گونه و طریق و راه و طرز<sup>۱</sup> البته روشن است که برخی از این واژگان مترادف بوده و برخی نیز عربی هستند؛ و از این رو، بیشتر این واژگان و معانی به یکدیگر بازمی‌گردند در برخی کتب لغت ۴ معنا برای این واژه ذکر شده است که عبارتند از: ۱. طرز، راه و روش ۲. خوی، عادت ۳. ناز، کرشمه ۴. مکر<sup>۲</sup>.

مقصود از شیوه در اینجا همان معنای اول است که با بسیاری از واژگانی که در ابتدا گذشت مترادف و هم معنایند. معادل شیوه در کلام عرب کلماتی مانند منهج و شریعت و طریق هستند. پس مراد از شیوه سخن گفتن همان راه و روش سخن گفتن است البته راه و روش امری از جهات و منظرهای [گوناگونی قابل ملاحظه بوده و به اعتبارات مختلف تقسیمات متنوع و متعددی را در بر می‌گیرد مثلاً راه و روش راه رفتن گاهی از جهت تندی و کندی بررسی شده و به تند و کند و معتدل تقسیم می‌شود. و گاهی از منظر کیفی مورد نظر قرار می‌گیرد و به انواع مختلفی چون صاف، کج، سفت، شل و... تقسیم می‌شود. سخن گفتن نیز مانند هر امر دیگر از این قاعده مستثنا نیست از این رو تقسیمات متنوعی را در بر دارد؛ آنچه در این نوشتار مورد نظر است تقسیم راه و روش سخن گفتن از جهت ابزار به کارگرفته شده در سخن در مقابل کسی به منظور رسیدن متکلم به هدف و مطلوبی والاست و آن هدف، عبارت است از ارائه راه حق و اتمام حجت و روشن شدن مطلب مقصود برای طرف سخن. اقسام راه و روش سخن گفتن به اعتبار ابزار عبارتند از: حکمت و موعظه و جدال. آنچه در اینجا مقصود است تقسیم سخن به سه قسم حکیمانه، موعظه‌ای و جدالی است و مراد بیان ابزار سخن گفتن از جهت حکمت، موعظه و جدال است.]

### ۱-۲-۲. سخن

واژه سخن اسمی فارسی به معنای گفتار و کلام و نطق و بیان است<sup>۳</sup>. سخن گفتن گرچه عبارت از همان الفاظ و کلماتی است که از دهان خارج می‌شود ولی در بحث ما اختصاص به آن ندارد بلکه مهم

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۳۱، ص ۲۲۹.

۲. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۱۱۶.

۳. همان.

همان رساندن غرض و مقصود شخص است که گاهی با نوشتن و گاهی با اشاره و غیر آن ممکن است حاصل شود. البته کلام ملفوظ از بارزترین و پرکاربردترین مصادیق رساننده مقصود به شمار می‌آید. به هر حال از جهت غرض بحث و هدف آن که برقراری ارتباط و رساندن مقصود به دیگری است سخن موضوعیت ندارد و علت انتخاب این واژه در موضوع و عنوان از باب این بود که روشترین و پرکاربردترین ابزار در طول تاریخ به ویژه در عصر قرآن و حدیث بوده است گرچه امروزه ارتباط کتبی و نوشتاری جایگاه بسیار ویژه‌ای در میان مردم به ویژه در فضای مجازی پیدا کرده است. البته چون اساسا نوشتار پس از گفتار بوده مجازا به نوشتار سخن و گفتار نیز گفته می‌شود.

امروزه بلکه از زمان بسیار دور نیز سخنرانی و سخنوری فن مهمی به شمار آمده و کتب و مقالات گوناگونی در این باره نوشته شده است. تذکر این نکته نیز بجاست که موضوع بحث برخوردهای عملی و رفتاری و بدنی و قلبی و مانند اینها را در بر نمی‌گیرد.

### ۱-۲-۳. مخالف

واژه مخالف اسم فاعل باب مفاعله از ماده «خلف» است. خَلَف در کلام عرب معانی گوناگونی دارد. از جمله: پسین (ضد پیشین)، قرن و گروهی که پس از گروهی دیگر می‌آیند، گفتار پست و ناشایست و....<sup>۱</sup> خَلَاْفَت به معنای فساد<sup>۲</sup> و حماقت، و خِلَاْفَت جانشینی را گویند.<sup>۳</sup> مخالفت و خلاف به معنای این است که یکی از دو نفر یا چند نفر، راه و روشی را جدا از راه و روش دیگری برگزیند چه در گفتارش یا کردار و رفتار<sup>۴</sup> مطابق نظر برخی از واژه‌پژوهان خلف<sup>۳</sup> معنای ریشه‌ای و اصلی دارد که باقی معانی از آن سه متولد و متفرع می‌شوند و آن سه معنا عبارتند از: (۱) جانشینی و قرارگرفتن چیزی پس از چیزی، (۲) پسین ضد پیشین، (۳) متغیر شدن و فساد.<sup>۵</sup> وی اختلاف را از معنای اول دانسته و در توجیه آن گفته است: اختلاف کننده و مخالف را از آن جهت چنین گویند که گفتار و نظر دیگری را که با او در اختلاف و مخالفت است، دور و رد می‌کند و خود را به جای وی قرار می‌دهد.<sup>۶</sup> در مقابل برخی از اهل تحقیق ریشه این ماده را یکی دانسته و تمام معانی آن را به همان

۱. ابو نصر اسماعیل بن حماد جوهری، *صحاح اللغة*، ج ۴، ص ۱۳۵۴-۱۳۵۳؛ ابو القاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۱۵۶-۱۵۵.

۲. ابو القاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، همان؛ محمد بن مکرم ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۹، ص ۹۳.

۳. همان.

۴. ابو القاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، همان، ص ۱۵۶.

۵. ابو الحسن احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۲، ص ۲۱۰.

۶. همان، ص ۲۱۳.

معنای دوم برمی‌گرداند و در توجیه آن گوید: تنها ریشه در این ماده آن چیزی است که در مقابل جلو و روبرو شدن به کار می‌رود یعنی همان چیزی که پشت و عقب چیزی قرار می‌گیرد و این معنا یا از جهت زمان است یا مکان و یا کیفیت که اختلاف و مخالفت از جهت همین کیفیت و ویژگی است.<sup>۱</sup> به هر حال به نظر می‌رسد تغییری که درباره مخالفت و خلاف گفته شد، تغییری مناسب و مطابق با کاربرد عرف عام و حتی قرآن و روایات باشد. زیرا ظاهر این است که مخالفت در کاربرد قرآنی - روایی، به همان معنای لغوی - عرفی خود بوده و معنای خاص جداگانه ندارد بلکه در زبان فارسی نیز به همان معنای عرفی عربی خود به کار می‌رود که عبارت باشد از همان ابراز و اظهار ناسازگاری کسی یا چیزی با کس یا چیز دیگری در امری از امور مانند افکار یا گفتار یا رفتار، گرچه نوع مخالفت و انواع مخالفین و آنچه که درباره‌ی آن مخالفت می‌شود، با هم متفاوتند ولی این تفاوت در ناحیه مصداق و واقعیت خارجی بوده و نظر به مفهوم و معنا ندارد. در نتیجه سبب تفاوت معنایی نخواهد شد.

واژه مخالفت و مشتقات آن در قرآن کریم در ۸ آیه به کار رفته است. مانند آیه شریفه: (وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْتَهُمْ عَنْهُ...)<sup>۲</sup> البته کاربرد واژه اختلاف و مشتقات آن که تقریباً هم معنای مخالفت است<sup>۳</sup> با این فرق که همیشه به جمع و گروه نسبت داده می‌شود، بسیار بیشتر است. مقصود از مخالف در نوشتار حاضر، هر کسی است که مخالف خدای متعال و یا یکی از پیامبران یا امامان (ع) بوده و در گفتار یا کردار و رفتار و یا رأی اعتماد با او مخالفت می‌کند.

#### ۱-۲-۴. حکمت

واژه حکمت اسمی عربی بوده و جمع آن حِکَم است. دانشمندان لغت و زبان عرب از معانی گوناگونی برای این واژه نام برده‌اند که در ابتدا به نظر می‌رسد همه، معانی وضعی این واژه‌اند حال آنکه بسیاری از این معانی، فرعی مجازی یا کنایی و یا از لوازم معنای حقیقی اصلی واژه‌اند. برای روشن شدن این مطلب مناسب است ابتدا کلام برخی از ایشان آورده شود:

الف) الحکمة مرجعها الی العدل والعلم والحلم ويقال احکمه التجارب اذا کان حکیمًا واحکم فلان عنی

۱. حسین مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۳، ص ۱۰۹؛ إن الأصل الواحد فی هذه المادة هو ما يقابل القدام والاستقبال ای ما یکون علی ظهرشیء و وراءه و هذا المعنی إما من جهة الزمان أو من جهة المكان او کیفیه.

۲. هود (۱۱)، ۸۸.

۳. البته روشن است که یکی از معانی اختلاف، تقریباً هم معنای مخالفت است وگرنه اختلاف معنا یا معانی دیگری چون آمد و رفت نیز دارد.